زن; انقلاب اسلامى و كارآمدى(2)

علل و ويژگى ها

مهتاب رضاپور

در شماره پيشين, گزيده مبانى حضرت امام خمينى(قدس سره) را در مورد زن و اشتغال بيان كرديم. در اين شماره, قصد داريم كه تاريخچه, علل و انگيزه ها و نيز ويژگى هاى اشتغال زنان را بررسى كنيم.

تاريخچه كار زنان

مرد و زن همدوش يكديگر, در طول تاريخ از مراحل مختلف تكامل اجتماعى عبور كرده اند. در جوامع انسانى از دوران پيش از تاريخ تا جوامع ما قبل صنعتى, فعاليت هاى توليدى و فعاليت هاى خانگى از يكديگر جدا نبودند. توليد يا در خانه يا در نزديكى آن انجام مى شد و همه اعضاى خانواده در كار بر روى زمين, نگهدارى احشام و صنايع دستى به گونه اى مشاركت داشتند. همين امر باعث شده تا براى آغاز كار زنان, نتوان بر نقطه اى از تاريخ انگشت نهاد. در شهرها هم معمولا كارگاه ها, در خانه بودند و اعضاى خانواده به جنبه هاى مختلف فرايند توليد كمك مى كردند. براى مثال در صنعت بافندگى, كودكان كار شانه زنى و دفتين زنى و دختران بزرگ تر و مادران, كار نخ ريسى و پدران, كار بافندگى را انجام مى دادند.(1) اغلب زنان پس از فوت شوهرانشان به طور معمول, صاحب كارگاه و اداره كننده كسب و كار بودند. شرايط سخت توليد و نبود فناوريهاى پيشرفته به عنوان كمك كار انسان, ايجاب مى كرد كه انسان ها براى ادامه حيات و تإمين رفاه نسبى, در زندگى خود, به صورت خانواده هاى پرجمعيت و در كنار يكديگر زندگى كنند و همگى اعم از زن و مرد, براى تإمين معاش, تلاش كنند. هر چند كه بعضى وظايف, خاص مردان و برخى ديگر مختص زنان شمرده مى شد, ولى همه كارها در خدمت بقاى خانواده بود.

زن در اين دوران در اغلب فعاليت هاى توليدى و سازنده جامعه شركت داشت و نقش مهمى را در فرايندهاى اقتصادى بر عهده داشت.

انقلاب صنعتى و تحول تعريف كار

در قرن نوزده ميلادى, پس از انقلاب صنعتى, تإسيس كارخانه هاى عظيم و ايجاد صنايع متكى به فناورى, كار توليدى از خانه ها به كارخانه ها انتقال يافت. در اين زمان, ديگر كار خانگى آن اهميت سابق را نداشت. توليد در كارخانه انجام مى گرفت و به ازاى آن مزد دريافت مى شد, و به تدريج خانه به جايگاهى براى مصرف تبديل مى گرديد.(2)

كار فرمايان از حضور زنان در كارخانجات استقبال مى كردند; چرا كه زنان نيروى كار ارزان تر و فرمانبردارتر از مردان بودند و راحت تر مى شد آنان را مورد بهره كشى قرار داد. با اين همه, جدا شدن محيط توليد از خانه, باعث شد كه اغلب زنان در حوزه كار غير مولد و خانگى بمانند و مردان با كار مولد و توليدى تداعى شوند. ((ميزان اشتغال زنان در بيرون از خانه, براى تمام طبقات, تا قرن بيستم بسيار پايين بود. نيروى كار زنان اساسا شامل زنان جوان مجرد بود كه دستمزدشان هنگامى كه در كارخانه يا ادارات كار مى كردند, اغلب توسط كارفرمايان مستقيما براى پدر و مادرشان فرستاده مى شد. اين زنان هنگامى كه ازدواج مى كردند, از نيروى كار كنار مى رفتند)).(3) زنان متإهل و مادران شاغل در اين زمان, با نظرات بسيار خصمانه اى روبه رو بودند و جامعه ايشان را افرادى غيرطبيعى و غيراخلاقى و والدينى سهل انگار به شمار مىآورد.(4)

جنگ جهانى اول و تثبيت كار زنان در غرب

در غرب با توجه به تعاريف انجام شده از كار مولد و كار غير مولد و جو فرهنگى غالب بر جامعه, حضور زنان در جامعه براى كار و كسب درآمد با اقبال عمومى مواجه نشد. زنان نيازمند هم براى كار كردن حاضر به قبول دستمزدهاى پايين تر بودند و همين امر تعارض شديدى را ميان كارگران زن و مرد به وجود آورد; چرا كه صاحبان صنايع, اين موضوع را به عنوان حربه اى در برابر افزايش دستمزد كارگران مرد در دست گرفتند. تخاصم ميان زنان و مردان كارگر تا شروع جنگ جهانى اول ادامه داشت. حضور مردان در ميدان هاى نبرد, اين زمينه را فراهم آورد كه در طول جنگ, از وجود زنان در تمام شعب اقتصادى استفاده شود و حتى زنان, كارهايى را كه پيش از آن, به عنوان قلمرو انحصارى مردان در نظر گرفته مى شد, انجام دادند.

با پايان گرفتن جنگ, شرايط جديدى به وجود آمد. از يك سو, تعداد زيادى از مردان كشته شده بودند و نيروى كار مولد كاهش يافته بود و از سوى ديگر, الگوى پيشين كه براساس آن كار مولد را مختص مردان كرده بود, شكسته شده بود. به همين جهت, زنانى كه آموزش و مهارت بالايى داشتند, در شغل خود باقى ماندند و تا حدود زيادى جايگاه كار زنان در جامعه غرب تثبيت شد و تعريف جديدى به خود گرفت.(5)

پس از آن تحولات جهانى و بروز جنگ جهانى دوم و همچنين گسترده شدن نهضت هاى زنورى (فمينيستى), بيش از پيش زمينه را براى حضور فعال زنان در زمينه هاى مختلف توليدى و اقتصادى در غرب فراهم آورد. ((امروز حدود 50 درصد زنان شانزده تا شصت ساله, در اكثر كشورهاى اروپايى, از جمله انگلستان, مشاغل داراى حقوق و دستمزد در بيرون از خانه دارند... . با اين همه, نسبت زنان در نيروى كار مزد بگير, هنوز خيلى پايين تر از مردان است. بيش از 80 درصد جمعيت مرد, بين بيست و پنج و شصت سال شاغل مزد بگير هستند و نسبت مردان شاغل مزد بگير در طول قرن گذشته, چندان تغييرى نكرده است. گسترش سطوح اشتغال براى زنان, نتيجه بيرون راندن مردان از مشاغلشان توسط زنان نبوده, بلكه در اثر افزايش تعداد مشاغل در دسترس پديد آمد.))(6)

در اين دوران, هر چند نيازهاى جامعه, زنان را دعوت به بازار كار كرد, اما پس از آن علل ديگرى موجب ادامه فعاليت زنان در اين حوزه شد كه شايد مهمترين آنها را بتوان نياز مالى, افزايش دانش و مهارت زنان و علاقه به كار توليدى و تجربه عرصه هاى جديد و كسب استقلال مالى ذكر كرد.

كار زنان در ايران

از همان زمان كه كشورى به نام ايران شكل گرفت, زنان ايرانى نيز همچون زنان ديگر نقاط جهان, همگام با مردان كار كرده اند. زنان ايران در كشاورزى, دامدارى و صنايع دستى همچون قاليبافى دست داشتند, چنانكه امروزه نيز در روستاها و عشاير كشورمان, انجام اين فعاليت ها اغلب بر عهده زنان است. در زمان خشايار شاه, ((زنان و اطفال در كارهاى توليدى مانند مردان شركت مى كردند. به موجب الواح موجود, تعداد دختران و زنانى كه در دستگاه اقتصادى شاهنشاهى كار مى كردند, حدود 60 درصد كل كارگران را تشكيل مى داد)).(7) زنان ايران در كنار مسووليت هاى مربوط به خانه و خانواده به كارهاى گوناگونى مشغول بودند و به صورت مرئى يا نامرئى اقتصاد خانواده را تقويت مى كردند. مشاغلى مانند دايگى, قابلگى و ملاباجى در مكتب خانه, در گذشته, خاص زنان بود. كارهايى مانند قاليبافى, نخ ريسى, خياطى, رنگرزى و تهيه محصولات لبنى از كارهايى بود كه عمده شاغلين آنها را زنان تشكيل مى دادند. ((هر چند در قرن نوزدهم, در ايران, رشد صنعت مشابه اروپا صورت نگرفت, اما در اواخر دوره قاجاريه كه استفاده از كارگران روزمزد متداول شده بود, با زنان روزمزد روبرو مى شويم... از حضور زنان در صنايع نى مى توان نام برد, برخى از صنايع مانند كارخانه ابريشم بافى رشت متشكل از كارگران زن(150 نفر) بود, در شيلات شمال 300 نفر زن كار مى كردند)).(8) اولين زنان شاغل در بخش كار مولد و مزدآور, زنان كارگر شاغل در كارخانه ها و كارگاه هاى كوچك و بزرگ بودند.

در دوره صنعتى و توسعه شهرى, زنان به تدريج به مدارس و دانشگاه ها روى آوردند. پس از شكل گيرى آموزش و پرورش رسمى در كشور, معلم هاى زن وارد بازار كار شدند. در ايران, طبق سرشمارى 1330 شمسى, تقريبا 90 درصد جمعيت فعال و شاغل كشور را مردان تشكيل مى دادند.(9) اين ميزان تا سال 1355 شمسى, كمابيش ادامه يافت. در دهه 1355 تا 1365, اين درصد كاهش يافت, اما پس از آن, اين ميزان تغيير كرد و در مجموع روند رو به رشدى را نشان داد.(10) مطابق آمار, ميزان اشتغال در جمعيت فعال زنان كشور, در سال 1379, برابر 54/83 درصد است و اين در حالى است كه اين ميزان در مردان 16/86 درصد است.(11) آمار به دست آمده نشان مى دهد كه 73 درصد زنان شاغل در آموزش و پرورش مشغول هستند. بعد از آموزش و پرورش حوزه بهداشت و درمان, بيشترين درصد زنان شاغل را به خود اختصاص مى دهد.(12)

با توجه به داده هايى كه از جانب سازمان بين المللى كار منتشر گرديده است, صفت ويژه جوامع صنعتى در برابر كشورهاى در حال توسعه, نه تنها فزونى جمعيت فعال است, بلكه مشاركت وسيع زنان در بازار كار نيز از ويژگى هاى اين جوامع به حساب مىآيد. به همين سبب, سمت و سوى برنامه هاى توسعه ملى كشور, در سال هاى اخير, در جهت اشتغال هر چه بيشتر زنان مى باشد.

انگيزه زنان براى كار

ابعاد اشتغال زن و يا مادر از عواملى نشإت مى گيرد كه خود در هر جامعه و با توجه به ارزش هاى حاكم بر آن شبكه اى متمايز تشكيل مى دهد و بررسى ها حكايت از تنوع اين عوامل دارد. عواملى كه موجب گرايش زنان به اشتغال در خارج ازمحيط خانه مى شود را مى توان به شرح ذيل دانست:

1. بهبود وضع اقتصادى خود يا خانواده.

2. به فعليت رساندن استعدادهاى بالقوه.

3. علاقه به اشتغال به صورت كلى و يا علاقه به يك شغل خاص.

اگر جامعه را به سه طبقه محروم, متوسط و مرفه تقسيم كنيم, هر طبقه شبكه اى از اين عوامل را دربرمى گيرد. در طبقه محروم و كارگرى, اولويت با فشار اقتصادى است و هدف اصلى زنان متإهل از كار, تإمين رفاه براى خانواده و امكان ادامه تحصيل براى فرزندان است. زنان مجرد اين طبقه نيز براى بهبود وضعيت مالى خويش ناگزير از كار كردن هستند. اما در طبقه متوسط, اشتغال, اين فرصت را به زنان مى دهد كه استعدادهاى بالقوه خود را به شكوفايى برسانند و نقصان هاى شخصيتى خويش را به گونه اى جبران كنند. در طبقه مرفه, ((علاقه)) به شغل خاص يا فقط اشتغال, عامل اصلى كار كردن زنان است.(13)

شايد بتوان گفت كه نيازهاى روحى و روانى, اصلى ترين انگيزه زنان براى كار است. به عبارت ديگر, زن با كار كردن قصد دارد برخى نيازهاى روحى و عاطفى خود را برآورده كند; چنانكه در طبقات محروم اين نياز روحى, شامل ((حمايت)) هر چه بيشتر و بهتر خانواده و فرزندان مى شود. اما با بهتر شدن وضعيت مادى خانواده, اين نيازها بيشتر جنبه فردى پيدا مى كند, به گونه اى كه در دو طبقه متوسط و مرفه, نياز به ((شكوفايى توانايى هاى خود)) و يا ((علاقه شخصى به كار)) از عامل ((حمايت ديگران)) قوىتراست. البته بايد در نظر داشت كه كار كردن نيز همچون ديگر فعاليت هاى انسان, برآيند مجموعه اى از عوامل است و اعتقادات و باورهاى دينى را هم مى توان يكى از علل اشتغال زنان دانست. احساس وظيفه برخاسته از اعتقادات اسلامى كه مسلمانان را به كمك و يارى خواهران و برادران دينى, بلكه نوع انسان دعوت مى كند و نيازهاى جامعه مسلمين, موجب مى شود كه انسان هاى متعهد و متخصص قدم به بازار كار بگذارند. اين احساس وظيفه, به علاوه ديگر علل اشتغال, به فرد كمك مى كند تا در انتخاب شغل و انجام تكليف, بهترين تصميم را بگيرد. زن مسلمان در انتخاب شغل, علاوه بر توانايى و استعدادهاى خود, به نيازهاى جامعه مسلمين و تكليفى كه در پيشگاه خداوند بر عهده دارد, توجه مى كند.

سيكل سنى كار زنان

اشتغال زنان نه تنها از روزنه طبقات اجتماعى و بخش هاى اقتصادى قابل سنجش است, بلكه هرم سنى اشتغال زن نيز از بسيارى جهات ويژگى هايى مى يابد كه آن را از اشتغال مردان متمايز مى سازد. سن معمول ورود به بازار كار در جوامع مختلف صنعتى, چه براى مردان و چه براى زنان, كمتر از 15 سال نيست. ورود زنان به حوزه در سنين اتمام دوره تحصيلات متوسطه, يعنى حدود 20 سالگى, بيشترين حجم را داراست. در بسيارى از كشورهاى صنعتى, مقطع سنى 20 الى 24 سال, بالاترين قدرت جذب زن در بازار كار را نشان مى دهد, اما پس از آن, درصد زنان شاغل در اغلب كشورهاى صنعتى ـ مانند ژاپن, بلژيك و فرانسه ـ نزول مى كند. در سنين بالاى 35 سال دوباره اين ميزان افزايش مى يابد.

اشتغال زنان, چنانكه گذشت, از يك سيكل تواترى برخوردار است. به طور طبيعى, اغلب زنان پس از ازدواج و بويژه پس از تولد اولين فرزند, دست از كار كشيده و به خانه باز مى گردند. با افزايش تعداد فرزندان اين احتمال بيشتر مى شود. جالب آن كه بازگشت زن از كار خارج از خانه و توجه وى به رسالت هاى طبيعى در خانه, در مشاغل عالى و در كشورهاى پيشرفته صنعتى با مشاغل ديگر همچون كارگرى و با كشورهاى در حال توسعه تفاوت چندانى ندارد. ((در كشور فرانسه, از 50 درصد زنان شاغل در گروه هاى عالى قبل از تولد اولين فرزند به 34 درصد از شاغلين بعد از سومين فرزند مى رسيم و اين امر مظهر توجه مادر و تا حدودى فقدان جانشين او در خانه است)). (14) به همين سبب, احتمال اشتغال زنان متإهل از زنان مجرد كمتر است; زيرا مسووليت هاى خانگى بر مشاركت زنان در بازار كار اثر مى گذارد. اين مشاركت بيشتر مقيد به وجود بچه هاى وابسته با مادر است و نه ازدواج, بنابراين ورود زن به حوزه كسب و كار با تواتر محسوسى همراه است كه خروج و بازگشت زن به خانه و نيز جذب مجدد وى به كار از صفات آن است. اغلب مادران پس از آن كه فرزندانشان بزرگ شدند و نيازشان به مراقبت هاى جسمى كمتر شد, تمايل دارند كه به سر كار بازگردند. مطابق تحقيقى كه در سال 1980 ميلادى در انگلستان انجام شده است, بيش از نيمى از اين مادران, در بازگشت به كار ناگزيرند طبقه شغلى خود را عوض كنند; 37 درصد تنزل مى كنند و فقط 14 درصد به طبقات بالاتر راه مى يابند. تنزل شغلى بيشتر براى زنانى اتفاق مى افتد كه در بازگشت, به كارهاى نيمه وقت مى پردازند.(15) در حال حاضر, در ايران تمهيداتى چون مرخصى 4 ماهه زايمان براى زنان در نظر گرفته شده است. اما بايد در نظر گرفت كه پس از اين دوره 4 ماهه, تازه در ابتداى راه پرورش كودك هستيم و تعداد زنانى كه به سختى مى توانند اشتغال را با مسووليت خانگى و پرورش كودك وفق دهند, كم نيست.

آثار و نتايج كار زنان

هر فرد بر حسب موقعيت خويش در گروه و جامعه بايد الگوهاى عملى خاصى را رعايت كند كه به آن نقش مى گويند. يك شخص واحد, نقش هاى متعددى را بر عهده دارد, مانند نقش مادرى, خواهرى, همسرى, دخترى و... چون يك زن هم مى تواند مادر باشد و هم خواهر و هم دختر و... . اغلب اشخاص, نقش هاى خود را مطابق انتظارات و عرف جارى جامعه و از همه مهمتر, بر اساس عقايد و باورهاى خويش تعريف و ايفا مى كنند. زنان, چنانكه گذشت, نقش هاى متعددى دارند كه هم در داخل خانواده و هم در خارج از آن بايد به آن بپردازند. با توجه به نقش ويژه زن در خانواده, گرايش او به كار, بيش از همه بر نهاد خانواده اثر مى گذارد.

هماهنگى و وفاق زن و شوهر به تعادل نقش هاى اين دو در خانه و خانواده وابسته است, در حالى كه هر يك پايگاه هاى متفاوت و شرايط خاص جنس خود را دارند. با توجه به اين نكته كه ((سنتى)) لزوما به معناى كهنه و ناپسند بودن و ((مدرن)) لزوما به معناى خوب و مناسب بودن نيست, فرهنگ حاكم بر روابط زن و شوهر در جامعه ما, مبتنى بر سنت هاى چندين صدساله است و تعارض نقش هاى سنتى و مدرن زنان شاغل باعث خستگى زياد و استرس هاى مداوم و در نهايت, افسردگى آنان مى شود. اين وضع بر روحيه مرد به عنوان شوهر, اثرات مستقيم و ناگوارى را بر جاى مى گذارد و بايد مورد توجه قرار گيرد.

از ديگر آثار كار زن, افزايش نقش هاى وى در نتيجه افزايش حجم وظايفى است كه بر دوش او نهاده شده است. به عبارت ديگر, زن علاوه بر مسووليتى كه در خارج از خانه به عهده دارد, بايد بلافاصله پس از ورود به خانه, وظايفى را كه در خانه به عهده دارد, انجام دهد; تهيه و تدارك غذا, نظافت منزل, پذيرايى از مهمانان, رسيدگى به مشكلات درسى فرزندان و مهمتر از همه, توجه به نيازهاى تربيتى, روحى و عاطفى اطرافيان, به ويژه فرزندان. به اين ترتيب, با توجه به آن كه ساعات شبانه روز براى همه انسان ها 24 ساعت است, زمان استراحت, آرامش و مراقبت هاى فردى براى زن شاغل به حداقل مى رسد و آنان كمترين فرصت را براى بازسازى روحى, روانى و جسمى خويش دارند.

اما مهمترين حوزه اى كه تحت تإثير كار زن قرار مى گيرد, حوزه تعليم و تربيت و پرورش كودكان خانواده است. هيچ كودكى نمى تواند بدون سال هاى مراقبت و حمايتى كه توسط پدر و مادر فراهم مى گردد, به مرحله رشد و استقلال برسد. در اين ميان, رابطه بين كودك و مادر در طى مراحل نخستين زندگى كودك داراى اهميت بسيار زيادى است: ((تحقيقات نشان مى دهد كه اگر اين رابطه به هر طريقى آسيب پذيرد, نتايج وخيمى به بار مىآيد. ((بولبى)) در تحقيق خود نشان داد كه كودك خردسالى كه رابطه نزديك و سرشار از محبت با مادر تجربه نكرده و مراحل بعدى زندگى از آشفتگى هاى مهم شخصيتى رنج مى برد)).(16) اين نظريه بولبى, نظريه ((محروميت از مادر)) نام گرفته است. بنابراين نظريه كودك براى احساس امنيت, نيازمند ايجاد الگوهاى پايدار دلبستگى عاطفى است. البته مطالعات بعدى نشان داد كه آنچه اهميت دارد, فرصت ايجاد روابط پايدار و نزديك عاطفى با حداقل يك انسان ديگر در بچگى و اوايل دوران كودكى است. بچه هاى فاقد دلبستگى پايدار در دوره كودكى, دچار عقب ماندگى زبانى و فكرى بوده و بعدها در ايجاد روابط نزديك و بادوام با ديگران, با دشوارى رو به رو مى شوند. تغيير اين ويژگى ها به تدريج از سن حدود شش تا هشت سالگى دشوارتر مى شود. يعنى تكامل انسان به طور بنيادى به ايجاد پيوندهاى بادوام نخستين با ديگران بستگى دارد.(17) مهمترين نكته در ارتباط مادر و كودك, ايفاى صحيح نقش مادرى است. مراقبت و پرستارى بدون چشم داشت و همراه با عطوفت و رحمت, نظارت بر چگونگى رفتار كودك و هدايت وى در مسير صحيح, از اصلى ترين وظايف مادر است. نقش مادرى در رسيدگى به وضعيت جسمى و ظاهرى كودك و مراقبت از خوراك و پوشاك و نظافت وى خلاصه نمى شود. به همين دليل, يك پرستار و يا مربى ماهر در خانه و يا مهد كودك, هرگز نمى تواند جانشين مناسبى براى مادر باشد. برخى جامعه شناسان از پديده اى به نام ((پرستار مادرىHaspitalism) (() سخن به ميان مىآورند كه محصول قرن اخير و سپردن طولانى مدت كودكان خردسال به مهد كودك ها است. يعنى كودكان در گروه هاى پنج تا ده نفرى, تحت سرپرستى يك پرستار يا يك مربى مهد قرار مى گيرند. اين كودكان به علت هم سن بودن, نيازهاى مراقبتى يكسان و گاه هم زمان دارند و مراقبت و رسيدگى ظاهرى و جسمى ايشان كيفيت چندانى ندارد و در مورد ايجاد ارتباط روحى و عاطفى نيز نبايد انتظار چندانى از اين افراد و نهادها داشت. ((پرستار مادرى)) در نهايت پيدايى و بسط بحران هاى عاطفى در انسان هاى امروز منتهى خواهد شد.(18) به همين جهت, سيكل رفت و بازگشت كارى زن, به دليل رسالت هاى متعدد وى در خانه و حضانت فرزندان, لازمه هرم اشتغال زن است. اين سيكل, نيازمند حمايت دو سويه اى مى باشد; از يك سو, بايد اين فرهنگ در مادران جامعه ما نهادينه شود كه در گزينش هاى خود, موردى را بالاتر و برتر از تربيت و پرورش فرزند خود قرار ندهند و از سوى ديگر, دولت با پيش بينى برنامه هاى كارشناسى, امكان حضور مجدد مادران را پس از طى شدن دوران بحران تربيت كودك, در بازار كار فراهم كند. اشتغال زنان به صورتى كه امروزه تحقق پذيرفته, از پديده هاى نوين تاريخ بشر است. كار زن بويژه مادر, به هنگام خردسال بودن فرزندانش, بايد صورتى انعطاف پذير يابد تا موجبات عدم ايفاى درست نقش مادر در حضانت فرزند را فراهم نسازد.

((در گزارش تحقيقى كه در سال 1354 انجام شد, مسإله اشتغال زن در ايران از ديدگاه مادران تهرانى بررسى گرديد. نتايج حاصله از اين بررسى, بيانگر اين مطلب است كه گروه وسيعى از مادران (بيش از 30 درصد) عقايد سخت و متحجر سنتى را در مورد زن نفى مى كنند, چنانكه عقايد نو را نيز با احتياط و در شرايطى خاص مى پذيرند. اينان نه افراط به معناى اسارت زن و دورى وى از بازار كار و يا بهره كشى از وى را قبول دارند, و نه تفريط در برابر آن را كه خروج زن را از خانه در هر شرايطى تجويز مى كند... جالب تر اينكه شرايطى كه اين گروه براى اشتغال زن قائل مى شوند, بيش از آن كه با رضاى فرد مرتبط باشد, به خانواده مى نگرد, چنانكه نزديك به نصف موارد (ذكر شده توسط ايشان) عنصرى از خانه را به ياد مىآورد و رضاى شوهر يا عدم اخلال در خانواده شرط اشتغال زن قلمداد مى شود. اين مطلب بيانگر اين است كه مادران پاسخگو, رسالت خانه را بر رسالت هاى اجتماعى ترجيح مى دهند و نشان مى دهد كه على رغم بدآموزىها و برداشت هاى نادرست از فرهنگ هاى وارداتى, اين مادران, رسالت هاى بيرون را همگام وظايف خانگى مورد نظر قرار مى دهند و هيچ چيز را در بيرون و فارغ از وظايف مادر و همسرى و خانه دارى نمى بينند.))(19)

امروز 24 سال از پيروزى انقلاب اسلامى ايران مى گذرد. هنوز نداى رهبر كبير انقلاب, امام خمينى(قدس سره) به گوش مى رسد كه ((مع الاسف در آن حكومت طاغوتى اين شغل (مادرى كردن) را مى خواستند از اين مادرها بگيرند. تبليغ كردند به اين كه زن چرا بچه دارى بكند. اين شغل شريف را منحطش كردند در نظر مادرها, براى اين كه مى خواستند مادرها از بچه ها جدا بشوند, بچه ها را ببرند در پرورشگاه ها بزرگ كنند, مادرها هم على حده بروند يك كارهايى كه دلشان مى خواهد, بكنند. بچه در پرورشگاه وقتى كه بزرگ بشود, يك بچه اى كه در دامن مادر, بزرگ بشود نيست. عقده پيدا مى كند, وقتى بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبى بخواهد سر و كار داشته باشد و محبت مادر از سر او كم بشود, اين بچه عقده پيدا مى كند. بسيارى از اين مفسده هايى كه در جامعه واقع مى شود, از اين بچه هايى هستند كه عقده دارند, از اين انسان هايى هستند كه عقده دارند, مبدإ يك عقده بزرگ, اين جدا كردن بچه از مادر است.))(20)

امروز 24 سال است كه در حوزه فرهنگ و ارزش گذارى كشور, ما ارزش ها را به انسان بودن, شرافت, كرامت, رشد, رستگارى و فلاح داده ايم. نسل امروز ما با اين مفاهيم و ارزش ها, حداقل در حوزه كلام ناآشنا و غريبه نيست, اما با جهت گيرى برنامه ريزىهاى كلان كشور براى توسعه و تبليغات زياد براى احقاق حقوق زنان و مشاركت بيشتر در ابعاد سياسى, اجتماعى و اقتصادى, گويى اين آموزه ها كم رنگ شده و در حوزه عمل از ياد رفته اند. افزايش ناهنجارىهاى اجتماعى در بين نوجوانان و جوانان, اعم از خشونت, سرقت, اعتياد, خودكشى و... همه حكايت از آن عقده هاى پنهانى دارد كه حضرت امام(قدس سره) در مورد آنها هشدار داده اند. اما هنوز هم مى توان نمونه هاى بسيارى در بين مادران شاغل يافت كه در گزينش بين مسووليت هاى كارى و وظايف مادرى, نقش مادرى را بر مى گزينند. مادر ليلى رشيدى (هنر پيشه تلويزيون) مى گويد: ((به نظر من اولين وظيفه يك زن, مادر بودن است. بعضى از خانم ها صرفا ترجيح مى دهند كه يك زن كارآمد اجتماعى باشند و كمتر به بچه دار شدن فكر مى كنند... خوشحالم كه ليلى با به دنيا آمدن پسرش, به خوبى تمامى وظايف مادر بودن را به جا آورد. دو سال كار نكرد, حتى بر خلاف بسيارى از مادران جوان, ليلى دو سال خودش بچه اش را تغذيه كرد.))(21)

وجود اين گرايشات در بين زنان شاغل, پس از 24 سال كار فرهنگى و ارزشى, چندان دور از ذهن نيست. اما از دانش پژوهان و طالبان حوزه هاى علوم دينى بيش از اين انتظار مى رود. بى شك حضور اين گروه براى تحصيل علوم دينى و فعاليت در اين زمينه, بيش از همه بر اساس انگيزه هاى الهى و به جهت انجام تكليف در پيشگاه خداوند است. پس هم به عنوان طلبه علوم دينى و هم به عنوان كسانى كه علاقه و اعتقاد به پيروى از حضرت امام خمينى(قدس سره) دارند, بايد در اين گروه مواجه با حداقل تعارض روحى براى قبول مسووليت و پذيرش نقش مادرى باشيم. حضرت امام(قدس سره) براساس ديدگاه خاص خود معتقد بودند كه: ((انسان مإمور به وظيفه است و نه نتيجه)).(22) مهم انجام تكليف در برابر خداوند است و نه خواهش هاى نفسانى.

سرگذشت زندگى بانوان برجسته و با فضيلت حوزه علوم دينى, همچون بانوامين(رحمت الله عليها) و يا سركار خانم صفاتى, نيز مهر تإييدى بر اين گفتار است. سركار خانم صفاتى كه مجتهده و از عالمان برجسته دينى هستند, داراى شش فرزند مى باشند. ايشان براى انجام تحصيل و تحقيق, هرگز كودكان خود را به مهد كودك نبرده و فرزندان بزرگتر ايشان در حال حاضر مشغول به تحصيل در زمينه هاى مختلف حوزوى و دانشگاهى هستند. كلاس درس ايشان هنوز هم در منزلشان برقرار است و تمامى مسووليت هاى خانه از جمله پختن غذا را خود به عهده دارند. سركار خانم صفاتى در زمينه اشتغال زنان مى فرمايند: ((فعاليت هاى خانم ها, اقتضاى جهان امروز است و هيچ مانع شرعى هم ندارند. البته من نمى خواهم بگويم كه هيچ برنامه ريزى نشده, ولى براى چگونه بيرون آمدن و چگونه فعاليت كردن و اينكه در چه مسير و كانالى قرار گيرند كه بتوانند ثمر بخش باشند, چه قدر در اين قسمت برنامه ريزى شده است؟ لذا به طور جدى با معضلات اجتماعى, خصوصا در سال هاى اخير مواجه شده ايم. مشكلات جدى از سوى خانم ها, محيط اجتماعى را تهديد مى كند كه يكى از نكته هاى مهمش, محيط زندگى و خانه و خانواده است. آيا خانم هاى ما توانسته اند آن مسووليت هاى خطير درون خانواده را به نحو صحيح و درست انجام دهند؟ اگر برنامه ريزى نباشد, مسلما خانم ها, مسووليت همسردارى و بچه دارى را به نحو مطلوب نمى توانند انجام بدهند. براى اين كه بچه داشتن, مسووليت سنگين دارد. فرزند بايد 2 سال در دامن مادر پرورش پيدا كند, پرورش اوليه, تازه بعد از 2 سال, نكته هاى ظريف تربيتى او شروع مى شود كه چگونه با او برخورد كند؟ چگونه با او حركت كند؟ نيازهاى عاطفى, روانى و جسمى او را چگونه برطرف كند؟ تمام اين ها يك كار بسيار سنگينى است. تنظيم محيط خانواده, گرم نگه داشتن كانون خانواده, راضى نگه داشتن همسر, راضى نگه داشتن اطرافيان و بالاخره مديريت داشتن براى اداره منزل وقتى حاصل مى شود كه انسان طراوت كافى و آرامش لازم را داشته باشد. خانمى كه از 7 صبح بايد خودش را مهيا كند براى كار بيرون, حالا اين كار بيرون هر كارى مى خواهد باشد, در حالى كه بچه كوچك دارد,... اين كار بسيار شاق و دشوارى است كه غير از تنظيم امور خانواده بايد يك بار سنگينى را به نام اشتغال به امور بيرون داشته باشد. لذا ما اين توقع را نداشته باشيم كه خانمى كه در بيرون, نصف ساعات روزش را كار مى كند, وقتى بر مى گردد به محيط خانواده, همان آرامش خانم خانه دار را داشته باشد. البته نمى گويم كه خانم ها تحصيل و يا كار نكنند, ولى بايد برنامه ريزى مناسب داشته باشند. تمام ساعات خانمها را ما در بيرون اشغال نكنيم و ساعاتى را براى حضور بيشتر آنها در خانواده باقى بگذاريم. بايد مقدار ساعات كار آنها را كمتر كنيم و از طرفى خود خانم ها هم بايد برنامه ريزى مناسب داشته باشند, يعنى استفاده لازم را از همه اوقاتشان بكنند.))

پى نوشتها

1. ر.ك: گيدنز, آنتونى, جامعه شناسى, ص 188.

2. همان, ص195.

3. همان, ص187.

4. ر.ك: آبوت, پاملا و كلر والاس, جامعه شناسى زنان, ص 174.

5. ر.ك: گيدنز, آنتونى, همان, ص 189 و اعزازى, شهلا, جامعه شناسى خانواده, ص 142 و 141.

6. گيدنز, آنتونى, همان, ص189.

7. اعزازى, شهلا, همان, ص 144.

8. همان, ص15.

9. ساروخانى, باقر, مقدمه اى بر جامعه شناسى خانواده, ص 163.

10. ر.ك: اعزازى, شهلا, همان, ص 145.

11. ر.ك: روزنامه جام جم, 11/9/81, مقاله: ((زنان كار, زنان زندگى)), پاك سيما مجوزى.

12. ر.ك: همان.

13. ر.ك: ساروخانى, باقر, همان, ص 168 و 167.

14. همان, ص167.

15. ر.ك: آبوت, پاملا, همان, ص55.

16. گيدنز, آنتونى, جامعه شناسى, ص 76.

17. همان, صص 77-76.

18. ر.ك. ساروخانى, باقر, مقدمه اى بر جامعه شناسى خانواده, ص183.

19. همان, صص177-176

20. تبيان هشتم, ص 136, از بيانات امام خمينى (ره) در جمع بانوان, 21/3/ 58.

21. روزنامه جام جم, 18/9/81, گفتگو با احترام برومند, همسر داوود رشيدى.

22. لوح فشرده امام(ره), ج2, ص86.